

مجلس بیست و هشتم: راه‌های افزایش معادباوری

حجت‌الاسلام والمسلمین عسکری اسلامپورکریمی*

اشاره

باور به معاد و زندگی پس از مرگ، یکی از اصول اعتقادی اسلام است. دیدگاه اسلام به این اصل، نگاهی کلی و فرادنیایی است که دامنه پرواز اندیشه آدمی را از عالم خاکی می‌رهاند و آفاق اندیشه‌اش را از تنگنای زندگی مادی‌اش آزاد می‌کند. گرچه همه عقاید و باورهای انسان در رفتارش مؤثر است، اما در این میان، عقاید و باورهای مذهبی، به‌ویژه اعتقاد به معاد و روز رستاخیز، از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت‌دادن رفتار و منش آدمی و تربیت و اصلاح اوست. این نوشتار، در صدد است تا روش‌هایی را از دو منبع گران‌بها، یعنی قرآن کریم و سیره معصومان علیهم‌السلام استخراج نماید تا به وسیله آنها، باور به معاد را افزایش دهد.

مفهوم معاد

«معاد»، به معنای بازگشتن و زمان بازگشت و گاهی به مکان بازگشت گفته می‌شود.^۱ معاد، یعنی برگشت اجزای بدن به یکپارچگی، بعد از آنکه پراکنده شده بودند؛ به بیان دیگر، برگشت به حیات بعد از مرگ یا برگشت ارواح به بدن‌ها بعد از جدایی.^۲ معاد در اصطلاح متکلمان، به معنای بازگشت انسان بعد از مرگ به حیات، برای رسیدگی به حساب اعمال اوست.^۳ معاد، عبارت است از «بازگشت اجسام [در روز رستاخیز] به همان

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۱. ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ذیل واژه «عود».

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۷۳؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۶۰.

۳. فرهنگ معارف اسلامی، ج ۴، ص ۲۶۱.

شکلی که بوده‌اند.^۱ بنابراین، معاد در اصطلاح فرهنگ اسلامی، برگرفته از همان معنای لغوی و مورد فهم مردم است.

در ادامه، به بررسی راه‌های معادباوری می‌پردازیم.

۱. علم و آگاهی

رغبت و میل آدمی در هر کاری، به میزان معرفت و شناخت اوست. هر قدر انسان به امری شناخت بیشتر و بهتری داشته باشد، قطعاً در انجام آن کار بیشتر دقت می‌کند و وقت و هزینه افزون‌تری را برای آن صرف می‌نماید. برای اعتقاد داشتن به معاد، در مرحله نخست باید به آن معرفت و شناخت پیدا کرد. این علم و آگاهی، با مطالعه کتب اعتقادی و فلسفی و نیز تفسیر آیات مربوط به معاد و روایات امامان معصوم علیهم‌السلام در این زمینه و نیز تفکر عقلی به دست می‌آید؛ ولی همان‌گونه که مشخص است، این علم گرچه برای اثبات معاد لازم است، کافی نیست و باید این شناخت به مرحله یقین برسد. آنچه در ایمان به معاد مؤثر است، یقین و اعتقاد راستین پیدا کردن به معاد است و این باور و اعتقاد از راه آموزش و کلاس و درس حاصل نمی‌شود و تنها با عمل به آموزه‌های اسلامی مربوط به معاد به دست می‌آید. بر این اساس، اگر انسان نماز اول وقت را همراه با خضوع و خشوع بخواند و در روزه‌داری، تمام اعضا و جوارح خود را از غیر خدا حفظ کند و نیز با بیداری در دل شب و انس گرفتن با مناجات و ادعیه، دل خود را نورانی سازد، یقین را به قلبش هدیه خواهد داد. انسان باید همواره خود را در محضر خدای متعال، حضرات معصومان علیهم‌السلام و از جمله امام زمان علیه‌السلام ببیند و حرمت این حضور را حفظ کند. در حقیقت، کسانی که به معاد یقین و باور داشته باشند، هرگز از یاد خدا غافل نمی‌شوند.

در یکی از روزها، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس نماز جماعت صبح در مسجد، جوانی را دید که چهره‌ای زرد و چشمانی خسته و خواب‌آلود داشت. آشکار بود که شب گذشته را بدون خواب و استراحت گذرانده است. حضرت از جوان پرسید: «چگونه شب را صبح کردی؟» جوان پاسخ داد: صبح کردم در حال یقین. پیامبر از سخن جوان شگفت‌زده شد و فرمود: «هر یقینی، حقیقتی دارد. حقیقت یقین تو چیست؟» جوان گفت: گویی می‌بینم که عرش الهی برای حساب خلاق بر پا شده است و مردم برای محاسبه گرد آمده‌اند و من نیز میان آنان هستم. گویی اهل بهشت را

۱. شیخ طوسی، الرسائل العشر، «رسالة فی الاعتقادات»، ص ۱۰۳.

می‌بینم که در آن از نعمات الهی برخوردارند، یکدیگر را به خوبی می‌شناسند و بر سریرها تکیه زده‌اند و اهل دوزخ را می‌بینم که در آن معذب‌اند و پیوسته فریاد می‌زنند و کمک می‌خواهند و هنوز صدای مهیب زبانه‌های آتش دوزخ در گوشم است. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از شنیدن سخنان آن جوان، به وی سفارش کرد که این حالت و صفای دل خویش را حفظ کند. آن جوان نیز از پیامبر خواست دعا کند تا شهادت نصیبش شود. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دعا کرد و طولی نکشید که آن جوان در جنگ با کفار به شهادت رسید.^۱

آری، باید دانست که سرای آخرت، سرای قرار است و لذت و خوشی آنجا قابل مقایسه با لذایذ و خوشی‌های دنیا نیست و از طرفی، عذاب آخرت نیز بسیار عظیم‌تر و بزرگ‌تر است. در پرتو این شناخت است که توجه آدمی به عملش بیشتر شده و تلاش می‌کند که رفتار و گفتارش را مورد ارزیابی قرار دهد و در تکمیل و بهبود آن بیشتر بکوشد.

قرآن کریم می‌فرماید: «کالای دنیا اندک است و آخرت برای کسی که تقوا داشته باشد، بهتر است.»^۲ بهترین توشه برای آخرت، تقواست و انسان در سایه تقوا می‌تواند معرفت خود را افزون‌تر نماید و به دنبال آن، بر رغبت خویش به آخرت بیفزاید. برای کسب معرفت باید از اندیشه و فکر شروع کرد و سپس، با تصحیح آن، سعی نماییم آن نوع عقیده را در رفتار و گفتار خود تسری دهیم. در زندگی دنیایی هم برای ما بسیار پیش آمده که وقتی به چیزی علاقه داریم، همیشه به آن فکر می‌کنیم؛ تا جایی که اگر کسی عاشق باشد، یک لحظه از فکر معشوقش بیرون نمی‌رود. دقیقاً با کسب تقوا، یعنی توجه به انجام واجبات و ترک محرمات، همین حالت برای انسان ایجاد می‌شود؛ به گونه‌ای که یک لحظه از فکر آخرت غافل نمی‌شود.

۲. ترس از قیامت

با مطالعه در آموزه‌های اسلامی، به روشنی درمی‌یابیم که دعوت همه انبیای الهی، هم شامل بشارت به رضوان و بهشت الهی بود و هم بیم‌دادن از کیفر گناهان و عصیان خداوند؛ اما عمومی‌ترین، مؤثرترین و کارسازترین شیوه تربیتی پیامبران الهی، «انذار» (بیم‌دادن)^۳ از عذاب

۱. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳.

۲. سوره شوری، آیه ۲۰.

۳. انذار، اعلام خطر است؛ یعنی اگر آینده خطرناکی در پیش روی کسی قرار داشته باشد و شما از حال به او خبر دهید و وی را بترسانید، این نوع خاص از ترساندن را «انذار» (هشدار) گویند. (آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۴۱)

الهی بوده است. ترس از عذاب اخروی، بهترین و مؤثرترین محرک برای اطاعت از فرامین الهی و رهایی از غفلت و وسوسه‌های شیطانی و غلبه بر هوای نفس است. نقش تربیتی «انذار»، بدان حد است که در آغاز رسالت پیامبر ﷺ خداوند به آن حضرت فرمود: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ؛^۱ ای جامه به‌خودپیچیده! برخیز و مردم را از قیامت بترسان.»

از این رو، صرف علم به قیامت، راهگشا و عامل هدایت به راه مستقیم نیست. انسان به طور فطری، غرایزی دارد که گاه برای ارضای این غریزه‌ها به هرکاری تن می‌دهد؛ ولی اگر علم او به معاد و روز آخرت همراه با ایمان و اعتقاد راسخ باشد و خود را در برابر همه باورها، کارها و گفتارش مسئول بداند، در کارها و رفتارش بیشتر می‌اندیشد. قرآن کریم، پیامبر ﷺ را «بشیر» و «مبشّر»، «نذیر» و «مُنذِر» نامیده است؛ ولی گاهی «حصر» را فقط در ماده انذار به کار می‌برد و می‌فرماید: «إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ؛^۲ تو، جز هشداردهنده نیستی.» یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «تو، فقط هشداردهنده‌ای و برای هر قومی، رهبری است.»^۳ همچنین، خداوند در آیه‌ای دیگر از قرآن، از زبان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من، جز هشداردهنده‌ای آشکار نیستم.»^۴ این حصر نسبی، به این دلیل است که بیان هراسناک بودن قیامت، بیش از هر راهکار دیگری، در جلوگیری از گناه مؤثر است و تهدید بجا، گاه مؤثرتر از تشویق است و نیز اثرگذاری انذار، بیش از تبشیر است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من، بیم‌دهنده هستم و مرگ، شیخون‌زننده و قیامت، وعده‌گاه است.»^۵

در روایات آمده: روزی عمر بن معدی کرب که از شجاعان عرب و در ردیف عمرو بن عبدود بود و هنوز ایمان نیاورده بود، خدمت پیامبر ﷺ رسید. حضرت به او فرمود: «برای فردای قیامت و زلزله آن، چه تدارکی دیده‌ای؟» پرسید: آیا این زلزله بدن مرا هم می‌لرزاند؟ پیامبر ﷺ فرمود: «(زلزله روز قیامت، کوه‌ها را متلاشی می‌کند؛ بدن تو که چیزی نیست.» این کلام پیامبر ﷺ چون تیری بر دل عمرو نشست و موعظه پیامبر، او را منقلب ساخت. از این رو، پرسید: چه کنم تا از چنین هولی رهایی یابم؟ حضرت فرمود: «به خدا ایمان بیاور و بگو: لا اله الا الله.» عمرو

۱. سوره مدثر، آیه ۱-۲.

۲. سوره فاطر، آیه ۲۳.

۳. سوره رعد، آیه ۷.

۴. سوره شعرا، آیه ۱۱۵.

۵. نهج الفصاحه، ح ۵۵۳.

شهادتین را بر زبان آورد و در همان نخستین دیدار خود با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسلمان شد.^۱ بدون تردید، اعتقاد به معاد، انسان را از گناه بازمی‌دارد. قرآن کریم فراموشی معاد و روز قیامت را از عوامل گمراهی دانسته است.^۲

۳. بشارت به نعمت‌های بهشتی

بشارت (تبشیر)، به معنای آگاهی یا نویددادن به رحمت و فضل الهی و پیامدهای خوشایند آن است.^۳ استفاده از تبشیر و مژده به بهره‌مندی از نعمات بهشتی، از جمله راه‌هایی است که معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام از آن برای افزایش ایمان به معاد و جهان پس از مرگ بهره می‌بردند. یادآوری این نکته که نعمات بی‌شمار بهشت، برای پرهیزکاران و صالحان فراهم شده است، انسان را به تلاش برای دست‌یافتن به این نعمت‌ها مشتاق می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌کوشد زمینه‌های ورود به بهشت را در خود پدید آورد و شایستگی استفاده از آن نعمت‌ها را به دست آورد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف عظمت نعمت‌های بهشتی از سوی خداوند متعال فرمود: «برای بندگان نیک‌کردار خود، چیزهایی فراهم آورده‌ام که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و به ذهن هیچ انسانی خطور نکرده است.»^۴

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با بیان نعمت‌های بهشت، اشتیاق مردم به آن را برمی‌انگیخت و سپس، شرایط ورود به بهشت را نیز یادآور می‌شد تا این اشتیاق، در زندگی آنان نتیجه عملی داشته باشد. اثر بشارت‌دادن به بهشت و ترساندن از عذاب دوزخ، چنان قوی بود که برخی از افراد گاه با شنیدن چند آیه کوتاه از قرآن کریم، متأثر می‌شدند.

روزی شخصی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقاضا کرد که قرآن را به وی بیاموزد. یکی از یاران پیامبر مأمور آموختن قرآن به او شد. چون دو آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۵ را به وی آموخت، آن شخص به آموزگار خود گفت: همین دو آیه، کافی است. دیگران

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. سوره ص، آیه ۲۶.

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۸.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۹۱.

۵. سوره زلزال، آیه ۷-۸: «هرکس هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند، [پاداش] آن را خواهد دید و هرکه هم‌وزن ذره‌ای بدی کند، [جزای] آن را خواهد دید.»

تعجب کردند که چرا وی با آن عطش فراوان برای آموختن قرآن، به دو آیه بسنده کرد؛ اما پیامبر ﷺ فرمود: «او درحالی که فقیه شد، بازگشت.»^۱ یعنی این شخص، به معادباوری رسید که از مهم‌ترین معارف دینی است.

نمونه ذیل، از جمله نتایج بشارت به بهشت است:

بلال حبشی، مؤذن پیامبر ﷺ هنگامی که رنجور شد و در بستر مرگ قرار گرفت، همسرش در بالین او نشست و گفت: واحسرتا که مبتلا شدم! بلال گفت: بلکه موقع شور و شادی است؛ تاکنون رنجور بودم و تو چه می‌دانی که مرگ در زندگانی خوش است؟ همسر گفت: هنگام فراق فرا رسیده است. بلال فرمود: هنگام وصال فرا رسیده است. همسرش گفت: امشب به دیار غریبان می‌روی. فرمود: جانم به وطن اصلی می‌رود. همسر گفت: واحسرتا! او فرمود: یا دولتاه! همسر گفت: تو را از این پس کجا بینم؟ فرمود: در حلقه خاصان الهی. همسرش عرض کرد: دریا که با رفتن تو، خانه بدن و خانمان ما ویران می‌گردد! فرمود: این کالبد، مانند ابر می‌باشد که لحظاتی به هم می‌پیوندد و بعد از هم گسیخته می‌شود.^۲

۴. اندیشیدن درباره تاریخ گذشتگان

از برترین نعمات الهی به انسان، نعمت اندیشیدن است. آدمی به کمک همین توانایی است که از فراموشی‌های می‌یابد و به ساحل نجات رهنمون می‌شود. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «اندیشیدن، مایه حیات دل انسان بصیر است؛ همان‌گونه که شخص چراغ به‌دست، در تاریکی‌ها در پرتو نور چراغ راه می‌رود و به‌خوبی خود را [از گمراهی] نجات می‌دهد و کمتر درنگ می‌کند.»^۳

اندیشیدن در مورد تاریخ گذشتگان، از عوامل یادآور معاد و سبب تحکیم معادباوری است. آدمی با مطالعه سرگذشت پیشینیان، درمی‌یابد که او نیز همانند آنان در این دنیا جاویدان نیست و باید خود را برای سفر آخرت آماده کند. از این‌رو، با رفتن به مکان‌هایی که گذشتگان در آنجا می‌زیستند و با دیدن آثار باقیمانده از آنها، روحیه معادباوری در وجود افراد جامعه تقویت

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۷.

۲. سیدعلی اکبر صداقت، یکصد موضوع پانصد داستان، ص ۴۸۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸.

می‌شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر راهی برای زندگی جاودانه وجود می‌داشت یا از مرگ گریزی بود، حتماً سلیمان بن داوود علیه السلام چنین می‌کرد؛ او که خداوند حکومت بر جنّ و انس را همراه با نبوت و مقام بلند قرب و منزلت در اختیارش قرار داد، اما آن‌گاه که پیمانۀ عمرش لبریز و روزی او تمام شد، تیرهای مرگ از کمان‌های نیستی بر او باریدن گرفت و خانه و دیار از او خالی گشت. خانه‌های او بی‌صاحب ماند و دیگران آنها را به ارث بردند. ای مردم! برای شما در تاریخ گذشته عبرت‌ها و درس‌های فراوان وجود دارد. کجایند عمالقه و فرزندان‌شان؟ کجایند فرعون‌ها و فرزندان‌شان؟ کجایند مردم شهر رس؛ آنها که پیامبران خدا را کشتند و چراغ نورانی سنت آنها را خاموش کردند و راه و رسم ستمگران را زنده ساختند؟»^۱

خداوند در چندین آیه،^۲ انسان‌ها را به سیر و سفر در زمین و چگونگی عاقبت پیشینیان تشویق می‌کند؛ «بی‌شک، پیش از شما سنت‌هایی بوده و سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟»^۳

۵. حضور در تشییع جنازه

حضور در تشییع جنازه مؤمنان، یکی از امور مستحبی است که در مرگ‌اندیشی و افزایش معادباوری، بسیار اثرگذار است. تشییع جنازه، افزون بر احترام به میت و همدردی با بازماندگان، درس عبرتی برای تشییع‌کنندگان است. شرکت در مراسم تشییع دیگران، اندرزی است بر این نکته که روزی خود ما نیز از این دنیا خواهیم رفت و دیگران ما را در تابوت می‌گذارند و بر شانه‌های خود حمل می‌کنند تا به خاک بسپارند. در روایات آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه‌ها خیلی اندوهگین و اندیشناک بود و بیشتر با خود سخن می‌گفت و کمتر با دیگران صحبت می‌کرد.^۴ آن حضرت در حدیثی فرمود: «از بیمار عیادت کنید و به تشییع جنازه بروید؛ زیرا آخرت را به یاد شما می‌اندازد.»^۵

۱. نهج البلاغه، خ ۱۸۲.

۲. سوره روم، آیه ۹؛ سوره انعام، آیه ۱۱؛ سوره نمل، آیه ۶۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۷.

۴. شیخ عباس قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۹۲۵.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۲۴ و ۲۶۶.

پیامبر ﷺ درباره پیام‌های معنوی تشییع جنازه می‌فرماید: «سوگند به آن قدرتی که جانم در دست اوست، اگر مردم جایگاه میت را می‌دیدند و گفتارش را می‌شنیدند، او را رها می‌کردند و به حال خودشان اشک می‌ریختند؛ زیرا روح میت از بالای تابوت فریاد می‌زند و می‌گوید: ای اهل و فرزندانم! دنیا با شما بازی نکند؛ همان‌گونه که با من بازی کرد. اموالی را از حلال و حرام جمع کردم و برای دیگران گذاشتم که لذتش برای آنان است و عقاب و مسئولیتش برای من. از آنچه بر سر من آمده است، بترسید.»^۱

در برخی روایات آمده است: «در برابر هرگامی که برای تشییع جنازه برداشته می‌شود، هزاران حسنه و ثواب، داده شده و هزاران لغزش بخشوده می‌شود.»^۲

به‌راستی این همه ثواب برای چیست؟ آیا به این دلیل نیست که تشییع جنازه می‌تواند آثار سازنده‌ای در انسان داشته باشد؟ در حقیقت، تشییع جنازه، انسان را به اندیشه‌وامی دارد و به معنای زنگ بیدارباش، وسیله کنترل هوس‌ها و دل‌کندن از دنیا و نوعی انقلاب درونی برای افزایش معادباوری است.

۶. زیارت اهل قبور

انسان با رفتن به قبرستان و زیارت اهل قبور و اندیشیدن به پایان زندگی دنیوی، آینده حتمی خود را پیش رو می‌بیند و با اندکی اندیشه درمی‌یابد همان‌گونه که دیگران از دنیا رفتند، او نیز خواهد رفت و روزی، عمر وی به پایان خواهد رسید و باید خویشتن را برای یک زندگی ابدی آماده سازد. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «به زیارت مردگان بروید؛ زیرا در این کار، برای شما عبرت‌آموزی است.»^۳ همچنین، فرمود: «به قبرها بنگر و از روز رستاخیز پند گیر.»^۴ همچنین، آن حضرت در کلامی دیگر درباره حکمت زیارت قبور می‌فرماید: «به زیارت قبرها بروید؛ زیرا این کار، رقت قلب می‌آورد و چشم را اشک‌بار می‌کند و یادآور معاد است.»^۵

۱. همان، ج ۶، ص ۱۶۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۴۳ و ۱۴۴، ب ۲، ح ۶.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۷۲.

۴. همان.

۵. همان.

۷. دوستی با اولیای الهی

هم‌نشینی با دوستان و اولیای خدا، موجب افزایش معادباوری در انسان است و او را به سوی خوبی‌ها سوق می‌دهد. معاشرت با نیکان، سبب می‌شود آدمی مسیر هدایت را بیابد و با انجام خوبی‌ها، ره‌توشه فراوانی برای آخرت خود فراهم سازد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «یاران حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردند: ای روح خدا! با چه کسی هم‌نشین شویم؟ فرمود: با آن که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت (معاد) تشویق کند.»^۱

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «بهترین دوست، کسی است که تو را شیفته آخرت کند و نسبت به دنیا بی‌رغبت نماید و تو را در فرمان‌برداری از خدا کمک کند.»^۲ این‌گونه رفیق است که بزرگان درباره‌اش فرموده‌اند: «الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ؛^۳ نخست، رفیق و بعد، راه.» به قول حافظ شیرازی: در یغ و درد که تا این زمان ندانستم که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق^۴

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۴۳۶.

۳. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۰۹.

۴. دیوان غزلیات حافظ، تصحیح: خطیب رهبر، ص ۴۰۴، شماره غزل ۲۹۸.